بررسی ابعاد نهضت امام حسین(ع) از منظر اندیشمندان انقلاب اسلامی

دستاوردها و عبرت‌های نهضت حسینی

عباسعلی مشکانی سبزواری
بخش سوم

در دو بخش گذشته، اهمیت، نقش و جایگاه نهضت حسینی و نیز اهداف و زمینه‌های پیدایش حرکت ظلم‌ستیز عاشورا مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره به موضوعاتی چون درس‌ها و دستاوردها و عبرت‌های این نهضت می‌پردازیم.

***

درس‌ها و دستاوردهای نهضت حسینی

در یک چشم‌انداز، نهضت حسینی از دو جهت قابل تأمل و تدبر است: جهت اول، درس‌ها و دستاوردهای آن است و جهت دوم، عبرت‌های آن، که در واقع عبرت‌ها یکی از مهم‌ترین درس‌های آن محسوب می‌گردد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۱/۴/۲۲). یعنی دستاورد مطالعه جریان نهضت حسینی، درس‌ها و عبرت‌های متعددی است که می‌تواند سرمایه امت اسلامی و نیز تمامی امت‌های آزاده در طول تاریخ باشد. در مقابل این دیدگاه برخی معتقدند تاریخ قابل درس‌آموزی و عبرت‌گیری نیست، اما بر اساس بینش اسلامی، این درس‌آموزی و عبرت‌گیری از تاریخ عموماً و نهضت حسینی خصوصاً یک امر بدیهی تلقی می‌گردد. (ن.ک. مطهری، فلسفه تاریخ، ج۱، ص۱۳؛ ن.ک. آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۴/۱۰/۵؛ همچنین: همو، ۷۵/۳/۲۰)

آموختن درس‌های زندگی ساز نهضت حسینی و عمل به آنها، رمز موفقیت امت اسلامی و در مقابل، شکست جبهه کفر و استکبار می‌باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۱/۴/۲۲) نکته دیگر اینکه درس‌آموزی و عبرت‌گیری از نهضت حسینی در گرو روی‌آوردن صحیح به آن است، چه اینکه اگر مانند برخی به این امر قائل شویم که قیام امام حسین(ع) وظیفه اختصاصی آن و بر اساس یک دستور خصوصی بوده، آن‌گاه پدیده‌ای غیرقابل اقتدا و الگوگیر بوده و بالتبع درس‌آموزی و عبرت‌گیری از آن منتفی خواهد بود. (مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص۱۰۹) در ادامه به درس‌ها و دستاوردها و در قسمت بعدی به عبرت‌های نهضت حسینی خواهیم پرداخت.

مسلم است که نهضت حسینی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن، دارای پیام‌ها، درس‌ها و دستاوردهای بی‌شماری است. بزرگ‌ترین دستاورد نهضت حسینی، «احیای دوباره اسلام و سنت صحیح پیامبراکرم(ص)» است؛ چه اینکه اگر این نهضت مقدس نمی‌بود، امروز از اسلام هیچ اثری باقی نمانده بود. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص۴۰۶-۴۰۷)، حقیقت آن است که با شهادت امام حسین(ع)، بقای اسلام و ممالک اسلامی تضمین شد.(صحیفه امام، ج۱۷، ص۵۲؛ رهبر معظم انقلاب، ۶۱/۳/۳۰) حدیث معروف «حسین منی و انا من حسین» نیز در همین راستا قابل تفسیر و تبیین است (صحیفه امام، ج ۱۰، ص۱۲۰، رهبر معظم انقلاب، ۶۶/۶/۱۰). اهمیت این دستاورد آن‌گاه روشن می‌شود که نقشه‌های شوم بنی‌امیه بهتر درک شود. نقشه آنها وارونه نشان دادن اسلام به مردم و در نهایت از بین بردن آن و بازگرداندن جاهلیت بود و نهضت حسینی سدی محکم در برابر آن شد. (صحیفه امام، ج۸، ص۵۲۷؛ رهبر معظم انقلاب، ۷۲/۳/۲۶)

درس مهم این دستاورد برای همیشه تاریخ و به همه دینداران و آزادی‌خواهان این است که در راه صیانت و حفاظت از ارزش‌ها و معتقدات، بایستی از جان و مال و فرزند گذشت و جملگی این امور را فدای حفاظت از دین نمود. (ن.ک. صحیفه امام، ج۱۷، ص۴۵ و۵۳؛ مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص۵۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۱/۴/۲۲)

«شخصیت بخشی به جامعه اسلامی» پس از رخت بربستن شخصیت و هویت اسلامی در دوران بنی‌امیه، یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای نهضت حسینی به شمار می‌رود. امام حسین(ع) با حرکت بزرگ خود، روح مسلمانان را زنده کرد. ترس را ریخت و احساس بردگی و اسارتی را که اواخر زمان عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه حکم‌فرما شده بود را تضعیف کرد. به عبارت دیگر به جامعه اسلامی شخصیت داد. از نگاه ایشان احساس شخصیت، مسئله بسیار مهمی است که سرمایه‌ای بالاتر از آن برای اجتماع وجود ندارد. آنچه پیغمبر اسلام به مردم عرب داد و آنان را از حضیض پستی به اوج عزت رساند، ایمانی بود که به آن مردم شخصیت داد. امویان کاری کردند که شخصیت اسلامی را از میان مسلمین می‌راندند و امام حسین(ع) آن شخصیت را احیا کرد (مطهری، حماسه حسینی، ج۱، ص۱۷۴). برای نمونه شخصیت کوفه و کوفیان در دوره مزبور چنان لگدمال امویان شده بود که پس از دعوت از فرزند پیامبر و حرکت او به سوی شهری که روزی مرکز خلافت اسلامی بود و افتخار شیعه علی ابن‌ابی‌طالب بودن را با خود داشت، با شنیدن اسم ابن زیاد عقب نشسته و امام حسین(ع) را تنها گذاشتند؛ در این حال قیام امام حسین(ع) آنچنان جوششی در آنان ایجاد کرد، آنچنان هویتی برای کوفیان به ارمغان آورد که: «همین کوفه بعداز مدت سه سال انقلاب کرد و پنج هزار نفر تواب از همین کوفه پیدا شد و سر قبر حسین‌بن‌علی رفتند و در آن‌جا عزاداری کردند،گریه کردند و به درگاه الهی از تقصیری که کرده بودند توبه کردند و گفتند ما تا انتقام خون حسین‌بن‌علی را نگیریم از پای نمی‌نشینیم» (مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص۵۷). علاوه‌بر این، نهضت حسینی به جامعه پراکنده و از هم گسیخته شیعی انسجام بخشید و فعالیت‌های آنها را در قالب تشکیلات و سازماندهی شده، نظم و تحرک وسیعی بخشید (رهبر معظم انقلاب، ۵۹/۶/۱۷) و در طول تاریخ سرمنشأ حرکت‌های سازمان یافته و منسجم شیعی و اسلامی و حتی غیر اسلامی گردید. این دستاورد یکی از مهم‌ترین درس‌هایی است که تا دامنه قیامت می‌تواند الهام‌بخش ملت‌های آزاده باشد، به شرطی که یاد حسین(ع) و مجالس حسینی از حد احساس فراتر رفته بر عقلانیت و تدبر در این قیام افزوده شود. (ن.ک. مجموعه آثار، ج۱۷، ص۵۹)

> **نهراسیدن از جبهه باطل به خاطر قلت عدد مدافعان جبهه حق، دستاورد و درس دیگر نهضت حسینی است. یکی از دستورهای آموزنده این نهضت مقدس این است که مستضعفان با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند و از قلت عدد خود نهراسند.**

«درس مقاومت و ایستادگی برای بشریت در تمام ادوار تاریخ بعد از نهضت حسینی»، یکی دیگر از دستاوردهای قیام عاشورا به شمار می‌رود. نشانه این مهم نیز تاثیرپذیری غالب حرکت‌ها و فداکاری‌های بزرگ پس از نهضت حسینی، از آن است (رهبر معظم انقلاب،۱۳۵۹/۸/۱۶). البته حرکت امام حسین باعث شد که این نسخه به صورت یک نسخه عملیاتی که فراتر از دستور دادن‌های متداول بود، خود را به عنوان یک الگو معرفی نماید (همو، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹). این‌گونه بود که خون سیدالشهدا خون همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد. (صحیفه امام، ج۱۵، صص ۳۳۰- ۳۳۱)

تحول بنیادی در اندیشه مسلمانان و تربیت نیروها و ظرفیت‌های انقلابی برای جهان اسلام و مسلمانان و آزادگان جهان، یکی دیگر از دستاوردهای نهضت حسینی به شمار می‌رود. این نهضت مقدس حقیقت اسلام را ـ که فداکاری در راه حق و عدالت و ستیز با منحرفان ستمگر بود ـ تجلی داد و از طریق این آموزش اصولی و هدایت انقلابی، فداکاران بسیاری بر ضد حکومت‌های ستمگر و اموی‌گونه در طول تاریخ تربیت کرد. «این همه آثار انقلابی و رثایی، متفقاً عظمت هرچه بیشتر امام حسین(ع) و یارانش در راه حق و حقارت هرچه فزون‌تر یزید و یزیدیان را در راه باطل ترسیم می‌کنند و بر طبق پیشگویی‌های صریح آن حضرت، در خط انقلابی آن حضرت به حرکت افتادند و بر ضد حکام فاسد به پا خاسته و با همه توان از مصالح اسلام و مسلمین پاسداری کردند». (حماسه حسینی،ج۱، ص ۳۹۱ ـ ۳۸۹)

> **احیای امر به معروف و نهی از منکر، یکی دیگر از بزرگ‌ترین دستاوردها و به تبع آن یکی از مهم‌ترین درس‌های نهضت حسینی به شمار می‌رود. به موجب همین امر مهم است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد. البته همه عوامل، آموزنده هستند ولی این عامل آموزندگی بیشتری دارد، زیرا نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت؛ یعنی اگر دعوتی از امام نمی‌شد، حسین‌بن‌علی(ع) به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر، نهضت می‌کرد. اگر هم تقاضای بیعت از او نمی‌کردند، باز ساکت نمی‌نشست.**

امام خمینی در زمان ما، نمونه بارز انقلابی تربیت یافته در مکتب حسینی است. ایشان با استناد به جملهٔ معروف امام حسین(ع) که فرمود: «انی لا إری الموت الا سعاده و لا الحیاه مع الظالمین الا برما» تکلیف مردم، علما و حوزه‌های علمیه را در قبال این جنایت‌های حکومت اموی گونه پهلوی تبیین نمود و با الهام از همین مکتب رهایی‌بخش می‌فرمود «برای من جای شبهه نیست که سکوت در مقابل دستگاه جبار، علاوه‌بر هدم اسلام و مذهب تشیع، نابودی با ننگ است. امروز مسلمین و خصوصا علمای اسلام در مقابل خدای تبارک و تعالی مسئولیت بزرگی دارند. من برای چند روز زندگی با عار و ننگ ارزشی قائل نیستم». (صحیفه نور، ج۱، ص۵۰)

احیای امر به معروف و نهی از منکر، یکی دیگر از بزرگ‌ترین دستاوردها و به تبع آن یکی از مهم‌ترین درس‌های نهضت حسینی به شمار می‌رود. (ن.ک. صحیفه امام، ج۲۱، ص۱؛ رهبر معظم انقلاب، ۶۱/۸/۴) به موجب همین امر مهم است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد. البته همه عوامل، آموزنده هستند ولی این عامل آموزندگی بیشتری دارد، زیرا نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت؛ یعنی اگر دعوتی از امام نمی‌شد، حسین‌بن‌علی(ع) به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر، نهضت می‌کرد. اگر هم تقاضای بیعت از او نمی‌کردند، باز ساکت نمی‌نشست (مجموعه آثار، ج۱۷، ص۲۱۴؛ رهبر معظم انقلاب، ۸۷/۱۰/۱۹). از این‌جاست که معلوم می‌شود وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مختص به امام حسین(ع) نبوده و هر کسی که در چنین شرایطی قرار گیرد باید به آن قیام نماید و نباید این وظیفه را به عهده دیگری بداند. (ن.ک. صحیفه امام، ج۱۳، ص۲۱۳)

> **بزرگ‌ترین دستاورد نهضت حسینی، «احیای دوباره اسلام و سنت صحیح پیامبراکرم(ص)» است؛ چه اینکه اگر این نهضت مقدس نمی‌بود، امروز از اسلام هیچ اثری باقی نمانده بود.**

اهمیت تأسی به حرکت امام حسین(ع) در این زمینه از آنجا بیشتر می‌شود که ببینیم با همه عنایتی که اسلام به امر به معروف و نهی از منکر داشته و آیات متعددی از قرآن در اهمیت آن وارد شده است و ملت اسلام را به خاطر آن بهترین امت نامیده و امام حسین(ع) هم برای احیای آن‌جان خود را فدا کرده است، اما این امر هر روز در جامعه اسلامی کم رنگ‌تر شده و از اهمیت آن کاسته می‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص۲۱۹)

پیوستگی دین و سیاست و مقابله با تفکر جدایی دین از سیاست، دیگر دستاورد و درس مهم و حیاتی نهضت حسینی است. برخی اما در مقابل در تلاشند ماهیت نهضت را ماهیتی صد در صد دموکراتیک قلمداد نمایند که به خواست مردم انجام گرفته و با این کار نفی حاکمیت خدا و به تبع آن جدایی دین از سیاست را به امام(ع) نسبت می‌دهند این در حالی است که واقعیات تاریخی و تحلیل سخنان و عملکرد امام‌حسین(ع) به خوبی بیانگر الهی- دینی بودن اقدامات سیاسی آن حضرت و در نتیجه رد نظریه طرفداران سکولاریسم است. (ن.ک. صحیفه امام، ج۱۵، ص۱۳ و ۲۱۴؛ ج۲۱، ص۱؛ رهبر معظم انقلاب ۱۳۶۶/۶/۶ و...) چه اینکه حرکت حضرت حرکت خونینی بر ضدّ جدایی دین از سیاست بود. (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۶/۶/۶)

توضیح اینکه: در زمان امام حسین(ع) دین به کلی از سیاست جدا شده، حاکمیت اسلام، قدرت سیاسی اسلام و زمامداری بر مبنای احکام اسلامی مورد تهدید قرار گرفته بود و به جای آن، عدّه‌ای در رأس دستگاه حکومت و قدرت سیاسی قرار گرفته بودند که از اسلام و آیین الهی الهام نمی‌گرفتند؛ از شهوات و نیات پلید و هواهای نفسانی خودشان الهام می‌گرفتند. امام‌حسین(ع) در این وضعیت و برای مقابله با این بدعت، -که در واقع تحریف و نابودی دین را به دنبال خود داشت- حرکت نمود (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۶/۶/۶).

بازسازی نظام اسلامی، از دیگر دستاوردهای نهضت حسینی به شمار می‌رود. در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی، هجرت پیامبر اکرم به مدینه، حرکتی در راستای تشکیل و تأسیس نظام اسلامی به شمار می‌رود. پس از رحلت پیامبر اکرم اما این نظام در معرض نابودی قرار گرفت، ولی امام حسین(ع) با نهضت خویش دنباله کار هجرت نبوی و نظام سازی نبوی را پی گرفت و به بازسازی و نوسازی نظام اسلامی نبوی اهتمام نمود. (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۶/۶/۶)

دیگر از دستاوردها و درس‌های نهضت حسینی شناخت جبهه باطل و دشمنان جبهه حق و لزوم این شناخت است. بر همین اساس نهضت حسینی نه عرصه جنگ امام حسین(ع) با یزید، بلکه عرصه جنگ حق و باطل است، جنگی که همیشه در تاریخ بوده است. و تا الان نیز ادامه داشته است لذا باید در زمان کنونی شمر امروز را شناخت. (حماسه حسینی، ج۱، ص۲۹۱) نهراسیدن از جبهه باطل به خاطر قلت عدد مدافعان جبهه حق، دستاورد و درس دیگر نهضت حسینی است. یکی از دستورهای آموزنده این نهضت مقدس این است که مستضعفان با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند و از قلت عدد خود نهراسند (ن.ک. صحیفه امام ج۵، ص ۱۹۲-۱۹۳). تکلیف ما را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده و دستور داده است که در میان جنگ، از قلت عدد نترسیم (صحیفه نور، ج۱۷، ص۵۹) قیام امام‌حسین(ع) با تعداد کم به خاطر ساقط کردن عذر ما بوده است (صحیفه نور، ج۴، ص۴۲). عاشورا درس اقدام و نهراسیدن از خطرات و وارد شدن در میدان‌های بزرگ است و در دامنه آن قله بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقش‌های گوناگونی وجود دارد که با الگوبرداری از آن می‌توان به امام‌حسین(ع) اقتدا نمود. (همو، ۱۳۸۴/۱۱/۱۸) لزوم مبارزه با ظلم و جور و در رأس آن حکومت جور در هر زمان و مکانی، درس دیگری است که نهضت حسینی برا بشریت به ارمغان آورده است. حضرت سیدالشهدا به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد (قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی، ص۵۵؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۱/۴/۲۲). وقتی مشاهده می‌کنیم حضرت، خون خود و عزیزانش را فدا کرد، دیگر حجت بر ما تمام می‌شود که از هیچ چیزی نهراسیم حتی از ظاهرسازی حاکم جائری که ادعای مسلمانی هم داشت. (صحیفه امام، ج۴، ص:۱۵۱و ۱۵۲؛ رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹)

درس‌های بزرگ دیگری که در نهضت حسینی وجود دارد، عبارت است از: درس غیرت، صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شدایدِ، عشق و ایده‌آل، استغنا، شجاعت و عدم ترس، درس بصیرت و بینش به روز و ضرورت آن. (مطهری، مجموعه آثار، ج۱۷، ص۵۹؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۱/۴/۲۲)

عبرت‌های نهضت حسینی

چنان‌که گذشت از میان درس‌ها و دستاوردهای نهضت حسینی، آنچه از اهمیتی بنیادین برخوردار بوده و مهم‌تر از جملگی آنهاست -و به همین جهت نیازمند تحلیلی مستقل از دیگر درس‌هاست- عبرت‌هایی است که این حادثه برای آیندگان بر جای گذارده است.(آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۱/۴/۲۲)

عبرت عبارت است از نگاه به اعماق و ریزه‌کاری‌های تاریخ و حوادث (همو، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵). البته تفاوتی ظریف میان درس و عبرت وجود دارد، اما این تفاوت مانع از آن نیست که عبرت‌ها را در زمره درس‌ها گنجاند. درس‌های عاشورا راه درمان را نشان می‌دهد و عبرت‌ها راه پیشگیری را. به بیان دیگر، درسها به ما می‌گویند چه باید بکنیم؛ ولی عبرتها به ما می‌گویند که چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه واقعه‌ای ممکن است اتفاق بیفتد. (همو، ۷۴/۱۰/۵) بر این اساس عبرت‌آموزی خود نوع دیگری از درس است. اهمیت مسئله عبرت‌آموزی از تاریخ اسلام عموما و تاریخ نهضت حسینی نیز در این نکته نهفته است که اگر به آنها با چشم عبرت‌بین و درس‌گیر و درس‌آموز نگاه شود، برای کسی که می‌خواهد در راه خدا- همان راهی که آن بزرگواران پیمودند- حرکت کند، یک خزانه تمام‌نشدنی از معارف و روحیّه و درس است. (همو، ۷۶/۶/۲۶)

بدون شک صحنه عظیمی همچون صحنه نهضت حسینی، دارای نکات قابل ملاحظه‌ای برای درس گرفتن و عبرت‌آموزی است که با نگاهی دقیق و تیزبین می‌توان آنها را مشاهده نمود. مقصود از عبرت‌های عاشورا و عبرت‌گیری از نهضت حسینی این است که «انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت بگیرد، یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می‌کند و چه چیزی برای او لازم است؟ (همان). البته لازمه عبرت‌گیری از هر پدیده‌ای مانند نهضت حسینی، درک درست واقعه و عظمت مصیبت آن است. (همو، ۱۳۷۷/۲/۱۸)

رویکرد عبرت‌گیرانه به عاشورا بیشتر وقتی ثمربخش است که حاکمیت اسلامی در جامعه به وجود آمده باشد و عوامل قهقرایی که به صورت سلول‌های فاسد و مفسد در آمده‌اند از درون جامعه شروع به فعالیت کنند. هدف این است که چهره این عوامل ترسیم شود تا نحوه عملکرد آنها شناخته شود و برای جلوگیری از تکرار تاریخ و از میان رفتن ثمره‌ی مجاهدت‌ها، فعالیت آنها در نطفه خفه شود. (همو، ۱۳۷۷/۲/۱۸) بدیهی است که پندآموزی و عبرت‌گیری از هر حادثه‌ای به میزان اهمیت آن حادثه و آثار آن در حیات اجتماعی انسان در طول تاریخ بستگی دارد. از سوی دیگر بعد از واقعه بعثت خاتم پیغمبران، حادثه‌ای به عظمت و آثار نهضت حسینی در جهت احیای بعثت و در نتیجه تأثیر در زندگی بشر پدید نیامده است، بر این اساس اهمیت عبرت‌گیری از آن، مسئله مهم و حیاتی به شمار می‌رود (همان).

فلسفه طرح بحث عبرت‌های عاشورا در فضای انقلاب اسلامی، اولاً تفاوت جامعه کنونی ما با جامعه صدر اسلام است (۷۴/۱۰/۱۵) چه اینکه جامعه صدر اسلام، پیامبر اکرم و امیرالمومنین را به خود دیده و مسلمین حساسیت خاصی در جزئیات احکام اسلامی و آیات قرانی داشتند اما با این حال، به جایی می‌رسند که اقدام به قتل اهل‌بیت آنها می‌کنند (همو، ۷۵/۳/۲۰) در حالی که اقتضای چنان جامعه‌ای اقدام به این کار هولناک نیست، اما جامعه امروز ما که از نعمت وجود پیامبر اکرم و امیرالمومنین و برخورد با آنها محروم است و طبیعتاً قابل مقایسه با آنها نخواهد بود و در این جهت تفاوت فاحشی با آن‌جامعه خواهد داشت. ثانیاً: زمینه آمادگی عمومی برای مقابله با طرح‌ها و برنامه‌های همه‌جانبه دشمن را فراهم می‌نماید.(همو، ۷۹/۱/۳) روشن است که اگر جامعه اسلامی از عاشورا عبرت نگیرد، به عاقبت جامعه اسلامی در زمان امام حسین(ع) مبتلا خواهد شد (همو، ۱۳۷۷/۲/۱۸).

> **مقصود از عبرت‌های عاشورا و عبرت‌گیری از نهضت حسینی این است که انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت بگیرد، یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می‌کند و چه چیزی برای او لازم است؟. البته لازمه عبرت‌گیری از هر پدیده‌ای مانند نهضت حسینی، درک درست واقعه و عظمت مصیبت آن است.**

لذا مهم‌ترین عبرت در نهضت حسینی این است که چه کنیم تا جامعه ما آن‌گونه نشود. ما باید بفهمیم که آن‌جا چه شد که جامعه به این‌جا رسید و در جامعه خود از آن پیشگیری نماییم (همو، ۷۷/۲/۱۸؛ ن.ک. صحیفه امام، ج۱۵، ص۳۶۷). بر این اساس پی‌جویی آنچه به عنوان علل و زمینه‌های نهضت حسینی -در بخش مربوط ارائه شد- و علاج، درمان و پیشگیری از آنها از زمره عبرت‌های نهضت حسینی به شمار می‌رود.

از دیگر عبرت‌های عاشورا خالی شدن جامعه از ارزش‌هاست. ارزش‌هایی که مبتنی بر مبانی دینی هستند و وقتی این مبانی جابه‌جا شد ارزش‌ها نیز از بین می‌رود. رعایت سر رشته‌ها (معرفت، عدالت، عبودیّت و محبّت) نشود، جامعه از ارزش‌ها تهی می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۷۷/۲/۱۸)

چراغ راه

چگونگی تقویت علم

قال الحسین(ع): «دراسه العلم لقاح المعرفه و طول التجارب زیادة فی العقل».

امام حسین(ع) فرمود: آموختن علم و دانش نطفه بارور شدن شناخت و معرفت است و تجربیات طولانی و بسیار مایه فزونی عقل و خرد است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۸

حکایت خوبان

آثار خصائص زشت و زیبا

امام حسین(ع) فرمود: بردباری، زینت انسان است، و وفای به عهد و پیمان، مروت و مردانگی است، و ارتباط و پیوند با دیگران، نعمت است، و تکبر، خودستایی و خودخواهی است، و عجله و شتابزدگی بی‌مورد، بی‌خردی و ابلهی است، و بی‌خردی و ابلهی نشانه ضعف و ناتوانی و افراط و زیاده‌روی در هر چیز، موجب نابودی و هلاکت است.[1]

همچنین آن حضرت فرمود: مصاحبت و همنشینی با فرومایگان و افراد پست، شر خیز و فتنه‌انگیز است، و در رفاقت و همنشینی با فاسقین و گناهکاران، تهمت‌زا و موجب بدبینی مردم و از دست دادن آبرو و اعتبار است.[2]

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲
۲- همان

پرسش و پاسخ

ریشه‌یابی تحریفات عاشورا

پرسش:
به طور کلی چه نوع تحریفاتی در حادثه عاشورا شکل گرفته و عوامل و زمینه‌های آن چگونه بوده است؟
پاسخ:

مفهوم‌تحریف

تحریف در لغت به معنی دگرگون کردن و عوض کردن است و در اصطلاح به معنی اضافه و یا کم کردن کلمه، کلامی و یا برداشتی که در معنا و مفهوم مورد نظر دگرگونی ایجاد می‌کند و دلالت واقعی مفهوم و منطوق کلام عوض می‌شود. بنابراین تعریف، دو نوع تحریف در هر نص و عبارتی ممکن است اتفاق بیفتد:

انواع تحریف

۱- تحریف لفظی

در این نوع تحریف لفظ با الفاظ کم یا زیاد می‌شوند و از این طریق زیادت و نقصان معنا و مفهوم آن دگرگون می‌شود تا تحریف‌کنندگان اهدافشان تامین گردد.

۲- تحریف معنوی

در این نوع تحریف ما در لفظ هیچ‌گونه زیادت و نقصانی که دال بر تحریف لفظی باشد نمی‌بینیم اما در مقام تفسیر و تبیین، مقام تحریف را پیاده می‌کنیم و معنا و مفهومی را از نصوص و عبارات در مقام تحلیل و تبیین ارائه می‌دهیم که با مدلول واقعی لفظ و یا مفهوم کلام و یا اغراض و اهداف صاحب متن، اختلافات فاحشی دارد. خدای متعال در قرآن یهود و اهل کتاب را محکوم می‌کند که آنان کلام را از جایگاه خود تحریف می‌کنند: «یحرفون الکلم عن مواضعه»(نساء- ۴۶) که این تحریف می‌تواند هم با زیادت و نقصان و هم با تفسیر و تبیین انحرافی صورت گیرد. نمونه‌ها و مصادیق تحریف لفظی که شامل احادیث جعلی، ضعیف و مشکوک می‌شود در کتب مقاتل به ویژه منابع غیرمعتبر زیاد به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه این عبارت: «اسقونی شربه من الماء» که از زبان امام حسین(ع) نقل می‌شود که از مردم درخواست آب می‌کرد در هیچ منبع معتبر تاریخی وجود ندارد. شهید مطهری می‌گوید: من هرچه در مقاتل گشتم(آن مقداری که می‌توانستم بگردم) تا این جمله معروفی را که ابا عبدالله به مردم گفت: «اسقونی شربه من الماء» یک جرعه آب به من بدهید، ببینم، ندیدم. حسین(ع) کسی نبود که از آن مردم چنین چیزی را طلب کند. فقط یک جا دارد که حضرت در حالی که داشت حمله می‌کرد و هو بطلب الماء.

قرائن نشان می‌دهد مقصود این است که: در حالی که داشت به طرف شریعه فرات می‌رفت(در جست‌وجوی آب بود که از شریعه بردارد) نه اینکه از مردم طلب آب می‌کرد(نهضت حسینی، بینش مطهر، ج ۹، ص ۲۳۴)

اما در باب تحریفات معنوی به ذکر دو نمونه از تبیین‌ها و تفسیرهای انحرافی و تحریف شده بسنده می‌کنیم:

۱- شهادت امام حسین(ع) کفاره گناهان است

گفته می‌شود امام حسین(ع) قیام کرد تا کشته شود برای اینکه کفاره گناهان امت باشد، همان‌گونه که مسیحیان منحرف شده از این دین اعتقاد دارند که مسیح(ع) به صلیب کشیده شد تا امتش را پاک گرداند و پرواضح است که این مسئله به روح اسلام سازگاری ندارد. (همان، ص ۲۶۶)

۲- این قیام یک دستور خصوصی بوده و قابل تعمیم نیست

همچنین گفته‌اند این قیام چون یک دستور خصوصی بوده برای شخص امام حسین(ع) و گفته‌اند: برو و خودت را به کشتن بده پس به ما ارتباط پیدا نمی‌کند. یعنی قابل پیروی نیست، به دستورات اسلام که دستوری کلی و عمومی است مربوط نمی‌شود. اگر بگویند امام حسین(ع) چنین سیره‌ای را به منصه ظهور رساند تو هم سیره او را الگوی خودت قرار بده! می‌گوید: آن یک دستور خصوصی از جانب خدا به شخص خودش بود و به ما مربوط نمی‌شود؟! حال آنکه امام حسین(ع) خودش فریاد کشیده است که علل و انگیزه قیام من مسائلی است که بر اصول کلی اسلام منطبق می‌شود و احتیاجی به دستور خصوصی ندارد. دستورهای خصوصی را در جایی می‌گویند که دستورهای عمومی وافی نباشد! آری امام حسین(ع) مکتب عملی اسلام را با شهادتش تبیین کرد. (همان، ص ۱۶۷)

سلوک عارفانه

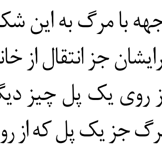

مرگ در راه انجام مسئولیت سعادت است

اگر مرگ در راه انجام مسئولیت فرا رسد، برای انسان سعادت است. انی لااری الموت الا سعادة و لاالحیاة مع الظالمین الا برماً (۱) مواجهه با مرگ به این شکل را کسی نمی‌تواند ادعا کند جز اولیای حق، آنها که مرگ برایشان جز انتقال از خانه‌ای به خانه دیگر و یا به تعبیر امام حسین(ع) جز عبور از روی یک پل چیز دیگری نیست. امام حسین(ع) صبح عاشورا به اصحابش فرمود: مرگ جز یک پل که از رویش می‌گذرید، چیز دیگری نیست. اصحاب من! ما یک پلی پیش‌رو داریم که باید از روی آن عبور کنیم. این پل نامش مرگ است.[2]

۱- تحف‌العقول، ص ۲۷۶
۲- کمال انسان و انسان کامل،شهید مرتضی مطهری(ره)، بینش مطهر، ج ۳۰، ص۲۹

وظیفه انسان در برابر مصیبت‌ها

منصور عزیزی

انسان در زندگی دچار فراز و نشیب‌های زیادی می‌شود و و در کنار خوشی‌ها با ناخوشی‌ها هم روبه‌رو می‌شود و بلایا و مصیبت‌ها او را احاطه می‌کنند. در چنین شرایطی انسان چگونه باید عمل کند و راه کنار آمدن با مصیبت‌ها چیست؟ در مطلب کوتاه پیش رو به این سؤال پاسخ داده شده است.

***

سنت الهی مصیبت

یکی از سنت‌های الهی، سنت مصیبت است. هیچ انسانی در دنیا از دایره سنت ابتلا و امتحان خارج نیست. (عنکبوت، آیات ۲ و ۳) امتحان در دو شکل آزمون با نعمت و مصیبت انجام می‌گیرد. خداوند در آیه ۱۵۵ سوره بقره می‌فرماید: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!

بر این اساس تا زمانی که انسان در دنیاست گرفتار اموری چون مصیبت است. اما مسئله مهم نحوه واکنش خود انسان به این مصیبت‌هاست؛ چرا که واکنش او نشان‌دهنده بینش و نگرش و عقاید و باورهایش است. خداوند در قرآن به عنوان کتاب هدایت بر آن است تا واکنش درست را بر اساس یک بینش و نگرش صحیح و توحیدی آموزش دهد و مردمان را بر اساس آن پرورش دهد. در هستی‌شناسی قرآنی همه چیز دارای منشا الهی است.

بر این اساس هر چیزی که در جهان اتفاق می‌افتد دارای حکمت و مصلحتی است که گاه ما از حکمت و هدف و مصلحت آن آگاه هستیم یا می‌شویم یا اصلا آگاه نمی‌شویم؛ ولی چون می‌دانیم که خداوند حکیم است و هیچ کاری را بی‌حکمت و بی‌هدف در خلق انجام نمی‌دهد و حکمت و هدفی در مخلوق است که باید از طریق آن عمل و کار تحقق یابد، آن را امری دارای حکمت و مصلحت دانسته و بر همین اساس به آن واکنش نشان می‌دهیم.

در حقیقت اموری که در جهان اتفاق می‌افتد یا کنش و فعل الهی بر اساس مشیت و حکمت کلان خداوند است یا آنکه واکنشی به فعل و کنش انسانی است. بر اساس آیات قرآن بسیاری از مصیبت‌هایی که بر انسان و محیط‌زیست و جامعه انسانی وارد می‌شود واکنشی از سوی خداوند به کنش‌های نادرست و باطل و غلط انسانی است. خداوند در آیه ۳۰ سوره شوری می‌فرماید: وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ؛ و هر گونه مصیبتی به شما برسد به سبب عملکرد خود شماست و خدا از بسیاری درمی‌گذرد.

> **از آن‌جا که بسیاری از مصیبت‌هایی که انسان در جان و جامعه و جهان گرفتار آن است، ارتباط تنگاتنگی با کنش‌ها و اعمال خود او دارد، باید هنگام برخورد با مصیبت به تدبر و درنگ در آنها پردازد؛ چرا که بسیاری از این مصیبت‌ها به خاطر خطا،اشتباه و گناه و دیگر رفتارهای نادرست ماست. پس باید برای رهایی از آنها دست به دامن استغفار و توبه شد.**

همچنین خدا در آیه ۴۱ سوره روم می‌فرماید: به سبب آنچه عملکرد مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا سزایِ بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند.

پس بسیاری از مصیبت‌ها و مشکلاتی که در جان و جامعه و جهان از زلزله و سیل و توفان و بیماری و مانند آن رخ می‌دهد، ریشه در اعمال ما انسان‌ها دارد. البته از آیه ۳۰ سوره شوری به دست می‌آید که خداوند بسیاری از تبعات اعمال ما را مهار می‌کند وگرنه وضعیت، بدتر از این می‌شد.

شاید سؤال شود که بلایایی مثل زلزله که یک فعل و انفعال طبیعی در زمین است، چه ربطی به کنش‌های ما دارد که در پاسخ باید گفت که همه بلایای طبیعی در تاثیرگذاری، وابسته به اعمال ما است. ممکن است زلزله‌ای رخ دهد، ولی خداوند آن را به گونه‌ای مهار و مدیریت کند که جان انسانی گرفته نشود و شیشه را در بغل سنگ نگه دارد. پس دچار شدن شخص به مصیبتی نتیجه فعل شخصی یا جمعی است که به شکل بلایای طبیعی خود را نشان می‌دهد.یا اینکه برای امتحان فرد و جامعه است.

> **بر اساس آیات قرآن بسیاری از مصیبت‌هایی که بر انسان و محیط‌زیست و جامعه انسانی وارد می‌شود واکنشی از سوی خداوند به کنش‌های نادرست و باطل و غلط انسانی است. خداوند در آیه ۳۰ سوره شوری می‌فرماید: و هر گونه مصیبتی به شما برسد به سبب عملکرد خود شماست و خدا از بسیاری درمی‌گذرد.**

به هر حال، مصیبت‌ها در ساختار سنت‌های الهی ترسیم می‌شود و باید توجه داشت که بیشتر آنها واکنشی به کنش‌های ماست هر چند که شماری نیز به عنوان مشیت و حکمت کلان الهی دسته‌بندی می‌شود.

واکنش انسان در برابر مصیبت

بر اساس آموزه‌های قرآنی، واکنش انسان نسبت به مصیبت باید با توجه به حکمت و مصلحت بر اساس صبر و شکیبایی باشد و بیتابی نکند و رفتار هیجانی و غیر طبیعی از خود بروز ندهد.

براساس آیه ۱۵۵ سوره بقره در برابر مصیبت‌هایی که موجب کاهش در جان و مال و امور دیگر می‌شود، باید صبر و شکیبایی پیشه کرد.

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها در واکنش انسانی، پذیرش این واقعیت است که هر امری چه براساس مصلحت یا حکمت، از منشا خداوند است. از این رو باید گفت در برابر مصیبتی که در آیه ۱۵۵ سوره بقره بیان شده این برخورد را داشته باشد که در آیه ۱۵۶ به آن‌اشاره می کند و می‌فرماید: الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ؛ همان کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آنِ خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.»

پس باور به این مطلب و تکرار آن در قالب استرجاع (گفتن إِنّا للهِ وَإِنّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ) به انسان کمک می‌کند تا نسبت به مصیبت‌ها واکنش غیرطبیعی و غیرمعقول نداشته باشد و بپذیرد که بنا به حکمت و مصلحتی است که خداوند می‌داند. همین آگاهی و علم و باور به حکمت و مصلحت است که آدمی را آرام می‌کند و صبر را موجب شده و بیتابی را از او می‌گیرد و انسان را شکیبا می‌سازد.

البته از آنجا که بسیاری از مصیبت‌هایی که انسان در جان و جامعه و جهان گرفتار آن است، ارتباط تنگاتنگی با کنش‌ها و اعمال خود او دارد، باید هنگام برخورد با مصیبت به تدبر و درنگ در آنها پردازد؛ چرا که بسیاری از این مصیبت‌ها به خاطر خطا،اشتباه و گناه و دیگر رفتارهای نادرست ماست. پس باید برای رهایی از آنها دست به دامن استغفار و توبه شد.

شاید داستان حضرت آدم(ع) و نخستین خطا و ترک اولای او که موجب برهنگی و سپس هبوط او شد، بهترین شاهد مثال باشد؛ زیرا او توانست از تبعات بیشتری که فعل خود او موجب شد جلوگیری کند. از این رو حضرت آدم(ع) دست به ابزار توبه شد و با توبه امکان تغییر شرایط را یافته و زمینه هدایت و بازگشت به جای نخست و حتی برتر را به دست آورد؛(بقره، آیات ۳۵ تا ۳۸) در حالی که ابلیس حاضر به توبه و استغفار نشد و با استکبار و تعبیرات زشتی چون مرا فریفتی و گرفتار غرور کردی، نه تنها توبه نکرد بلکه شرایط را بر خود سخت‌تر کرد و خداوند افزون بر هبوط او را از درگاه خویش راند و شیطان رجیم شد.(حجر، آیات ۳۲ تا ۳۹؛ ص، آیات ۷۴ تا ۷۷؛ اعراف، آیه ۱۶)

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir